



عذاب روز قیامت

کلیدواژه: روز قیامت ، عذاب ، قرآن کریم.
پرسش: علت تعبیرات مختلف از عذاب روز قیامت در قرآن چیست؟
پاسخ: پیش از پرداختن به پاسخ ناگزیر از بیان مقدمه‌ای هستیم.

فهرست مندرجات

- ۱ - اهداف قرآن
- ۲ - موضوعات قرآن
- ۳ - اشاره قرآن به کلیات نه جزئیات
- ۴ - قرآن، نشانه دقت و حکمت
- ۵ - استفاده قرآن از تعبیرهای گوناگون
- ۶ - نمونه‌هایی از این تعبیرها
 - ۶.۱ - نمونه اول
 - ۶.۲ - نمونه دوم
 - ۶.۳ - نمونه سوم
 - ۶.۴ - نمونه چهارم
 - ۶.۵ - نمونه پنجم
- ۷ - تفسیرهایی درباره عذاب بوم ظله
- ۸ - تفسیرهایی درباره طاعنه و صاعقه
- ۹ - ارتباط عذاب قوم نمود و عذاب اهل مدین
- ۱۰ - علت تعبیرهای گوناگون از عذاب
- ۱۱ - مطالبی درباره شهادت
- ۱۲ - قیاس مع الفارق
- ۱۳ - بانویس
- ۱۴ - منبع

اهداف قرآن

هدف قرآن، آموزش تاریخ ، داستان ، رمان‌نویسی، و... نیست؛ گرچه برای رسیدن به هدفش به‌نحوی از همه اینها بهره می‌برد.

موضوعات قرآن

قرآن کتاب هدایت ، انسان‌سازی و تربیت است که دارای مواظ و نصایح و انذار و تیشیر و... می‌باشد.

اشاره قرآن به کلیات نه جزئیات

از این رو می‌بینیم قرآن در نقل تاریخ یا داستان، مواد تاریخ و جزئیات داستان را نقل نمی‌کند و در نقل داستان‌ها هم برای بهره‌برداری تربیتی و اخلاقی قطعه‌ای از آن را در جایی و قطعه‌ای دیگر از آن را در جای مناسبی دیگر بیان می‌کند؛ "زیرا دأب و روش کلام خدای تعالی در آنجا که قصه‌ها را بیان می‌کند بر این است که به نکات برجسته و مهمی که در ایفای غرض مؤثر است، اکتفاء می‌کند و به جزئیات و تفصیل داستان نمی‌پردازد. از اول تا به آخر داستان را حکایت نمی‌کند".

[۱] مجدحسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سیدمجددباقر، ج ۱۳، ص ۴۰۳، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ: پنجم، ۱۳۷۴ ش...

قرآن، نشانه دقت و حکمت

به عنوان نمونه داستان [حضرت یونس](#) هم در [سوره انبیاء](#) آیه ۸۷

[۱۳] [انبیاء \(۲۱\)](#)، آیه ۸۷.

و هم در [سوره صافات](#) آیه ۱۳۹ - ۱۴۸

[۱۴] [انبیاء \(۳۷\)](#)، آیه ۱۳۹ - ۱۴۸.

آمده است و این نه تنها ضعف و نقص به حساب نمی آید، بلکه نشانه دقت، [حکمت](#) و هدفمند بودن آن است؛ نظیر دانشمند فرهیخته و نویسندگانی که از یک مجموعه شعری در جاهای متعدد کتابش استفاده می کند؛ به نحوی که هر بیتی را در یک موضوعی مربوط، به کار می گیرد.
با توجه به این مقدمه اکنون به پاسخ پرسش می پردازیم.

استفاده قرآن از تعبیرهای گوناگون

اصطلاحات [صاعقه](#)، [رجفه](#)، [طاغیه](#)، [صبحه](#) و [یوم الظله](#)، هرچند تعبیر متعدد و در ظاهر متفاوتی هستند، اما با اندک توجه و تأمل در مفاهیم عنوان های یاد شده در [آیات](#) و [تفاسیر](#) که به عنوان [عذاب](#) برای یک قوم آمده اند؛ به دست می آید که هیچ گونه تهاوت و تناقضی بینشان وجود ندارد.

نمونه هایی از این تعبیرها

← نمونه اول

مثلاً برای [قوم ثمود](#) در آیه ۷۸ سوره مبارکه [اعراف](#)، [رجفه](#)؛
[۱۴] [این منظور](#)، [لسان العرب](#)، ج ۵، ص ۱۵۲، [چاپ اول](#)، [احیاء التراث عربی](#)، بیروت، ۱۴۰۸ ه ق.

(زلزله) بیان شده است.

← نمونه دوم

اما در آیات ۱۲ و ۱۷ [سوره فصلت](#) و آیه ۴۴ سوره ذاریات به صاعقه (عذاب نابودکننده، قطعه ای از [آتش](#) که بر اثر تصادم با ابرها جهیده می شود و با هرچه برخورد کند، [آتش می زند](#)، صدای هولناک و مرگ)

[۱۵] [این منظور](#)، [مجد بن مکرم](#)، [لسان العرب](#)، ج ۷، ص ۳۴۸، [ناشر: دار صادر](#)، بیروت، [چاپ سوم](#)، ۱۴۱۴ ق.

تعبیر شده است.

← نمونه سوم

از طرفی، در آیه ۵ [سوره حاقه](#) عذابشان، [طاغیه](#) (همان صاعقه

[۱۶] [این منظور](#)، [مجد بن مکرم](#)، [لسان العرب](#)، ج ۸، ص ۱۷۰، [ناشر: دار صادر](#)، بیروت، [چاپ سوم](#)، ۱۴۱۴ ق.
یا چیزی که از حد طبیعی خود گذشته باشد) آمده است و در آیه ۶۷ [سوره هود](#) هم عنوان [صبحه](#) (به معنای عذاب)

[۱۷] [این منظور](#)، [مجد بن مکرم](#)، [لسان العرب](#)، ج ۷، ص ۴۴۰، [ناشر: دار صادر](#)، بیروت، [چاپ سوم](#)، ۱۴۱۴ ق.

ذکر شده است.

← نمونه چهارم

همچنین برای [قوم مدین](#) در آیه ۹۴ سوره هود عذاب [صبحه](#) و در آیه ۹۱ [اعراف](#) [رجفه](#) بیان شده است.

← نمونه پنجم

در آیه ۱۸۹ [سوره شعراء](#) عذاب [یوم ظله](#) (سایبانی از ابر صاعقه خیز) آمده است.

تفسیرهایی درباره عذاب یوم ظله

در مورد عذاب [یوم ظله](#) در [تفاسیر](#) چنین آمده است: بعد از هفت روز که سراسر سرزمینشان را گرمای مفرط و سوزان فراگرفته بود و به هیچ وجه نسیمی نمی وزید، به ناگاه قطعه ابری در آسمانشان ظاهر شد و نسیمی به وزیدن در گرفت. با مشاهده این قطعه ابر از خانه هایشان شتابان بیرون رفتند و سوی آن شتافتند که در این هنگام صاعقه ای مرگبار همراه با صدایی هولناک از آن برخاست و دنبالش آتشی فراوان از آن بر آنان فرو ریخت و نهایتاً [زمین](#) را به لرزه درآورد و همگی را هلاک ساخت.

[۱۸] [مکارم شیرازی](#)، ناصر، [تفسیر نمونه](#)، ج ۱۵، ص ۳۳۹ و ۳۴۰، [چاپ سیزدهم](#)، [دارالکتب الاسلامیه](#)، تهران، ۱۳۷۴.

طاعیه از طرفی، همان‌طور که ذکر شد به خود صاعقه گفته می‌شود و از طرف دیگر، به معنای موجودی که از حد خود **تجاوز** کند هم، آمده است که در این صورت علاوه بر صاعقه با زلزله هم سازگار است و صیحه هم، باز همان‌طور که بیان شد، به معنای عذاب است و **عذاب** در معنای صاعقه هم بیان شده است. علاوه بر این هرکدام از **زلزله** و طاعیه خود **مصدق** عذاب‌های شدید طبیعی هستند. [۹] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۴۳ و ۲۴۴، چاپ سیزدهم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.

ارتباط عذاب قوم ثمود و عذاب اهل مدین

با توجه به آنچه بیان شد و تأمل در **مفاهیم** ذکرشده برای اصطلاحات به کار رفته که هرکدام در موارد جداگانه به‌عنوان عذاب برای **قوم ثمود** و مدین ذکر شده‌اند و همچنین، توجه به ارتباطی که بینشان وجود دارد، معلوم می‌شود که هیچ‌گونه **تناقض** و تضادی بینشان نیست؛ بلکه آنها لازم و ملزوم و دربردارنده معانی یکدیگر هستند.

علت تعبیرهای گوناگون از عذاب

اما تعبیر متعدد و مختلف از عذاب به اقتضای **فصاحت قرآن** و رساندن مطلب به غایت **بلاغت** برای تأثیر بیشتر در نفوس مردم صورت گرفته است.

مطالبی درباره شهادت

در مورد **شهادت** هم باید گفت: اگر شاهدهی در یک مرحله از شهادتش چیزی بگوید و در مرحله بعدی گفته پیشین را نقض نماید و یا شاهدهی دیگر برخلاف او شهادت دهد، همه آنچه که گفته شد، از **اعتبار** ساقط خواهد بود؛ ولی اگر در هر مرحله از شهادت، بخشی از ماجرا و حقیقت بیان شود؛ به‌طوری‌که تناقضی بینشان نباشد با کنار هم قراردادن همه آنها می‌توان از آن بهره برد.

قیاس مع الفارق

علاوه بر این مقایسه این دو **قیاس مع الفارق** است و اساساً شرایطی که در محکمه برای پذیرش بینه و اقرار و... لازم است ربطی به کتاب تربیتی و انسان‌سازی مثل **قرآن** ندارد.

پانویس

۱. **محمدحسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ج ۱۳، ص ۴۰۲، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ: پنجم، ۱۳۷۴ ش...**
۲. **↑ انبیاء (۲۱)، آیه ۸۷.**
۳. **↑ انبیاء (۳۷)، آیه ۱۳۹-۱۴۸.**
۴. **↑ ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۵۲، چاپ اول، احیاء تراث عربی، بیروت، ۱۴۰۸ ه ق.**
۵. **↑ ابن منظور، مجد بن مکرم، لسان العرب، ج ۷، ص ۳۴۸، ناشر: دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.**
۶. **↑ ابن منظور، مجد بن مکرم، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۷۰، ناشر: دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.**
۷. **↑ ابن منظور، مجد بن مکرم، لسان العرب، ج ۷، ص ۴۴۰، ناشر: دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.**
۸. **↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۳۹ و ۳۴۰، چاپ سیزدهم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.**
۹. **↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۴۳ و ۲۴۴، چاپ سیزدهم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.**

منبع

[پایگاه اسلام کوئینست.](#)

